نوشتهٔ حسن اخلاق محقق فلسفه ۲۰۱٤/۰۷/۲۵

# ابتذال دیموکراسی در اعجاز افغانی

منتشرهٔ ۱۸ جولای ۲۰۱٤ – ۲۷ سرطان ۱۳۹۳ بی بی سی، آماده شده به زبان دری افغانستان توسط و، ا، نوری

انتخابات مانند یک مسابقه و بازی نهایی، برنده و بازنده ای دارد؛ ولی از قرار معلوم، انتخابات اخیر ریاست جمهوری در افغانستان، دو برنده خواهد داشت و در میان بازیگرانش بازنده ای نیست. این یعنی "اعجاز" افغانی.

یان کوبیش فرستاده خاص سازمان ملل در افغانستان در کنفرانس خبری مشترک با حامد کرزی و جان کری، موفقیت کری در حل مشکلات افغانها را کاری "اعجازآمیز" خواند. اما این اعجازِ مدرن در افغانستان مانند عمومِ پدیده های مدرن در این کشور بی محتوا و تقلبی است؛ مخلوطی ناسازگار از معاملهٔ عرفی با رویهٔ قدسی، تبارگرایی و جهاد، تکنیک و قمار.

در نتیجه، به نظر می رسد که می تواند مسکنی برای دردهای فراوان حاضر باشد ولی به یقین گامی به سوی ارزشهای مدرن برنمی دارد. به همان اندازه که این مخلوط، غیر واضح است گمراه گر هم است؛ ظاهراً بازنده ای میان بازیگرانش ندارد، ولی درواقع مردمیکه درین بازی شرکت جسته بودند به عظمتِ شرکتِ خود باختند. زیرا دیموکراسی، برسمیت شناختن فرد وحق تعیین سرنوشت برای وی است.

در جامعه ای که فردیت، معنایی ندارد، "رأی" نمی تواند شکل گیرد و در نتیجه، انتخابات به آسانی می تواند به منفعتِ اشخاص، تبدیل شود. هنگامی که این منفعت، تأمین گردد به راحتی شعارِ "قطعه قطعه شدن" یا "شرکت سهامی" فراموش می شود و ملتی که صغیر نگاه داشته شده و سال هاست آموخته است که با شادی های اندک احساس بزرگی نماید، ارضاء می شود و احساس عیدی می کند. برخی از خصوصیت های این جامعه را می توان بگونهٔ زیر برشمرد:

۱ (مغشوشیت در زبان

"مغشوشیت سخنان کرزی در بیانیهٔ مشترک با سفیر امریکا و نمایندهٔ خاص سازمان ملل، نه حکایت از مغشوشیت زبانی، که روایت از مغشوشیت وجود داشت. رئیس جمهور این بیت اقبال لاهوری را خواند که هیچ مناسبت روشنی با سخنان و رخدادهای مرتبط به این بیانیه نداشت: خدا به آن ملتی سروری داد که تقدیرش به دست خویش نوشت".

زبان هم خانهٔ وجود است و هم آئینهٔ آن. یعنی آغاز، پایان و راه هستی است و چه بودن آن را بازتاب می دهد. نمی توان از مولوی انتظار داشت که مانند عمر خیام بسراید چنانکه میان فروغ فرخزاد و پروین اعتصامی چنین تفاوتی است. همین طور از ذهن آشفته نمی توان انتظار زبان آراسته داشت، هر چند هزاران آرایش و پیرایش سیاسی بدان پیوسته باشد. چنین است که رئیس جمهور کرزی خود نیز از بیان ربط میان سخنان آغازش و حُسن ختامِ انجامش ناتوان است.

این مغشوشیت تنها بازتابی از حقیقت دهشناکی است که صورت کامل آنرا می توان در یادداشت های آگاهان دو تیم و یادداشت های روزانهٔ اصحاب شبکه های اجتماعی در افغانستان دید. هر دو گروه با برجسته کردنِ اصطاحاتی مرتبط به دیموکراسی مانند شفافیت یا قانونمندی، بطور یکسان بر روح دیموکراسی، یعنی آموزش مردم برای انتخاب و تعیینِ سرنوشت، خط چلیپا می کشند؛ هر دو بطور یکسان می خواهند که مردم، خود را فراموش کنند و آنها را برگزینند.

بنابر قولی معروف "کما تکونوا یولی علیکم" (هر طور که شما باشید چنان رهبرانی بر شما مسلط می شوند) می توان دریافت چنین مغشوشیت زبانِ رئیس جمهور از مغشوشیت حال ملتی بر می خیزد که در دنیای "رأی" و "انتخابِ" خود، از "اعجاز" و "انتصابِ" دیگری احساس خوشبختی می کند. در چنین وضعی زبان هم معنای خود را از دست می دهد و به بیهوده گویی می افتد. این زبان، دیگر حتی از درکِ بنیاد خود ناتوان است و بدون آنکه مفاهیم مدرن را بازتاب دهد، در انعکاس از مفاهیم ماقبل سنتی نیز گرفتار بی معنایی است.

۲ (آشفتگی در رفتار

نابسامانی وجودی علاوه بر فقدانِ تعادل زبانی، می تواند رفتار آشفته را نیز بازتاب دهد. در سیستم سیاسی، وزارت خارجه یکی از مهمترین ارکان هایی است که مثال آداب ظریفِ دیپلوماسی است. اما در چنین وضعیتی نابسامان، نزاکت های دیپلوماتیک هم محو می شوند؛ رئیس تشریفات وزارت خارجه، می گوید: «نمی تواند این راز را پنهان کند. قانون که بایستی به عدالت و شفافیتِ وضعیت کمک کند، به "برتری جویی" و "منفعتِ" قانون سازان مدد می رساند.» چنین است که قوهٔ قانون


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

گذاری هم بیکار نمی نشیند و سهمِ خویش را زیر عنوان "قانون مصونیت و حقوق وکلا را تثبیت می نماید تا عقب نماند. همچنین امنیتِ نسبتاً خوب دو دورهِ انتخابات، نوعی ناسازگاری عمیق درونی را هویدا ساخت؛ اینکه اگر دولت بخواهد می تواند بر ناامنی گسترده، علیرغم گستردگی احساسِ ناامنی فائق آید.
می توان صدها مورد از امور جامعه در حوزه های سیاست، فرهنگ و اجتماع را نیز برشمرد که آشفتگی و در نتیجه بی معنایی رفتار گروه های مختلف را نشان می دهد از اختلاف در پوهنتون به مناسبت بازی فوتبال گرفته تا موضع گیری های رهبران و نخبگان سیاسی که در فاصلهٔ اندک میان مرحله اول و دوم انتخابات رخ داد. تحلیل همهٔ این موارد نشان می دهد که نمی توان چنان سازگاری درونی برای این دلایل قائل شد که معنای فرهنگی در گذار از جامعه ای عقب مانده به جامعه ای در حال رشد داشته باشد.

۳ (رشد کوتوله ها
گذار از وضعیت توسعه نیافته به دنیای توسعه یافته به میانجی هایی نیاز دارد که بتوانند دردِ ورود به دنیای جدید را آسان سازند. روشنفکران و جامعهٔ مدنی در جوامعی که به پای خود این مسیر را می پیماید، مسئولیتِ همگانی و تثبیت سازی ارزش های مدرن را برعهده می گیرند. اما در جوامعی که با نیروی بیرونی به جهان جدید پرتاب می شود سوفسطائیان به جای سقراط قدر می یابند و بر صدر می نشینند تا نه شعار ارزش های انسانی بر زمین بماند و نه تجارت از دست برود. بدون شک چنین جوامعی، دستاوردهایی مثبت خواهد داشت چنانکه در افغانستان پس از طالبان دیده می شود و حامد کرزی در روز تحویل قدرت آنها را شماره خواهد نمود، ولی باید توجه داشت که این دستاوردها بیشتر تاثیراتِ فرعیِ وضعیت جدید است تا نتیجهٔ برنامه ریزیِ درست و روشن.
"اکنون به نظر می رسد که باید بار دیگر این خطر بزرگ و فراموش شده یاد آوری شود زیرا هر چند ظهور گرایشات افراطی شبیه به طالبان ضعیف به نظر می رسد ولی استقرار فساد در افغانستان کاملاً عیان است. اگر اراده ای برای خروج از "صغارت به تصمیم خویشتن" بوجود نیاید، نمی توان به امروز و فردای افغانستان چندان امید داشت. اما این اراده امری روان شناسانه و اخلاقی نیست تا با تدبیر اصحاب تکنیک و علم حل شود تا چه رسد به کار بازیگرانِ صغیرِ سیاست".
بی تردید، افغانستان دستاوردهایی در آزادی رسانه ها، گسترش آموزش عمومی، افزایش حضور زنان در اجتماع و... دارد ولی آنها بیشتر حاصل تعامل با همکاران بین المللی و شریک‌های دارای برنامه ریزی است، نه نتیجهٔ برنامه روشن و متوازنِ دولتمردان یا حتی جامعهٔ مدنی ما.
ما چون با شریک هایی روبروئیم که از ما طرح می خواهند کاغذی را به نام برنامه سیاه و تهیه می کنیم نه آنکه خود به اهمیت و معنای آن پی برده باشیم. زیرا برنامه در دنیای مدرن نتیجهٔ درک و دردِ درست از نابسامانی هاست که سوفسطائیان آنها را لازمه و توجیه گرِ وجود شان می دانند.

تولید روز افزون "آگاهان" مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در رسانه های جامعه ای که بر روی دو "نه "ایستاده است (نه به وضعیتی که دیگر وجود ندارد و نه به وضعیتِ مطلوب) جز آشکار شدن بی معنایی "کار" و "شناختن" نیست.
نگارنده چند سال پیش، در چنین روزهایی از ماه رمضان به رئیس پارلمان وقت و معاون فعلی رئیس جمهور یونس قانونی، هشدار داد و اکنون آن را علنی تکرار می کند که بی ایمان ساختنِ مردم به ارزش های مدرن و دیموکراسی، مصارف سهمگینی است که از فساد حاکم در بین دولتمردان و رهبران سیاسی افغانستان نشأت می کند.
اکنون به نظر می رسد که باید بار دیگر این خطر بزرگ و فراموش شده یاد آوری شود زیرا هر چند ظهور گرایشات افراطی شبیه به طالبان ضعیف به نظر می رسد ولی مستقر شدنِ فساد در افغانستان کاملاً عیان است. اگر اراده ای برای خروج از "صغارت به تصمیم خویشتن" بوجود نیاید، نمی توان به امروز و فردای افغانستان چندان امید داشت. اما این اراده امری روانشناسانه و اخلاقی نیست تا با تدبیر اصحاب تکنیک و علم حل شود تا چه رسد به کار بازیگرانِ صغیرِ سیاست.
این اراده امری وجودی است که از تأمل پیرامون وضعیت حاضر، وضعیت مطلوب، مفهوم توسعه، و سنجش مناسبت بین این اندیشه ها بدست می آید. به دیگر سخن، توسعه و ترقی همه جانبه امر درون زاست که تنها می تواند بر اساس درک درست صورت گیرد. چیزی که در پیش قراولان سیاسی ما کمتر دیده می شود و به ابتذال دیموکراسی می انجامد.


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ